

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال پنجم، شماره ۲، پیاپی ۱۷، تابستان ۱۴۰۰
صفحات: ۲۱-۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳
نوع مقاله: پژوهشی

تاثیر ناتو بر سیاست خارجی ترکیه در قبال دول همجوار

میر عبدالعلی محمدی *

چکیده

سیاست خارجی ترکیه در طول هفت سال اخیر به ویژه پس از تحولات سیاسی-اجتماعی موسوم به بیداری اسلامی دستخوش فراز و نشیب های بسیاری بوده است. سیاستمداران حزب حاکم عدالت و توسعه تا قبل از سرنگونی دومینو وار حاکمان تونس، مصر، لیبی و یمن موفق شده بودند ترکیه را با تکیه بر قدرت نرم این کشور در عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به عنوان الگویی شاخص به دیگر کشورهای منطقه معرفی کنند. نگاه دکترین عمق استراتژیک ترکیه همگرایی و تعامل فزاینده را با کشورهای همجوار ترویج کرده بود، با تمام این وجود متغیرهای زیادی بر چرخش سیاست خارجی ترکیه در نگاه سلبی و تهاجمی بخصوص در قبال تحولات منطقه مانند جنگ قره باغ، داعش، سوریه موضوع خلیج فارس داشته که با نگاه ترکیه بر اروپایی شدن به ویژه نقش ناتو در این کشور با پیچیدگی های همراه شده است. پژوهش حاضر به بررسی تاثیر ناتو بر سیاست خارجی ترکیه در برابر دولت های همسایه می پردازد و این سوال را مطرح می کند که ناتو چه تاثیری بر رویکرد ترکیه در قبال دول همجوار دارد. برای این منظور پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای، مصاحبه با کارشناسان به این نتیجه رسیده است که نگاه اروپایی شدن ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه باعث نفوذ هر چه بیشتر ناتو در این کشور شده است که این خود بر همسویی هرچه بیشتر سیاست خارجی ترکیه گردیده و در نهایت منجر به نگرانی کشورهای غیر همسو با ترکیه گردیده است.

کلید واژه ها

ترکیه، ناتو، سیاست خارجی، منطقه گرایی.

* دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه Bilkent، دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل، ترکیه، (نویسنده مسئول)
mohammadi_mirabdolali@yahoo.com

مقدمه

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ میلادی آنکارا سیاست خارجی فعالی را در سایه ثبات سیاسی داخلی و موفقیت های اقتصادی در پیش گرفته است. خط و مشی سیاست خارجی آنکارا از جهت گیری های غرب گرایانه صرف به پیرامون گرایی تغییر یافت. قدرت یابی ترکیه در سال های اخیر و جاه طلبی های آن در امر تجارت و ادغام با همسایگان خود، شانس فراهم آوردن محیط امن و کاهش تضادها را در چارچوب نوعثمانی گری فراهم نموده است. گفتمان نوعثمانی گرایی که با قدرت یابی اسلام گرایان در نقطه کانونی سیاست خارجی ترکیه قرار گرفته است. دو هدف عمده دارد؛ هدف اول، بازیابی هویت منطقه ای بر اساس تلفیق اندیشه اسلام متساهل با دستاوردهای مدرنیته است. هدف دوم، ارتقا نقش جهانی ترکیه می باشد. در گذشته سیاست خارجی ترکیه که در اختیار داوداوغلو قرار داشت که از سوی رسانه های غربی به کیسنجر ترکیه یاد می کنند در این رابطه دیدگاه های خود را در قالب دو گفتمان عمق استراتژیک و حل اختلافات با همسایگان عرضه کرده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۸). مفهوم عمق استراتژیک داوداوغلو محصول میراث های تاریخی و فرهنگی و موقعیت جغرافیای ترکیه است (Davutoglu, 2008: 79).

بر اساس دکترین عمق استراتژیک، ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی ویژه خود دارای عمق استراتژیک است و به همین دلیل باید با بسط نفوذ خود در مناطق پیرامونی از جمله قفقاز نقش رهبری را در این مناطق بر عهده بگیرد و اهمیت استراتژیک جهانی برای خود کسب کند. بر این اساس، عمق استراتژیک ظرفیت های جغرافیایی ترکیه را به ظرفیت های تاریخی آن پیوند داده و برای این کشور هویتی چندگانه تعریف می نماید. لذا، موقعیت منحصر به فرد ترکیه این کشور توانایی به عهده گرفتن رهبری در مناطق پیرامونی خود را دارد و دولت ترکیه بایستی نقشی پررنگ، فعال و متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته و عمق جغرافیایی خود ایفا نماید.

برای اینکه دولت آناتولی بتواند، رهبری مناطق پیرامونی را برعهده بگیرد و به این تربیت به بازیگری مهم در منطقه و نظام بین الملل تبدیل شود، بایستی به تنش ها در درون و با همسایگان خود خاتمه دهد. اینجا است که بعد مهمی از استراتژی داود اوغلو نمایان می شود که معروف به سیاست حل اختلاف با همسایگان است. ترکیه برای اینکه بتواند به رهبر منطقه ای تبدیل شود و اهمیت استراتژیک بین المللی پیدا کند باید با همسایگان خود روابط دوستانه برقرار کرده، مشکلات و اختلاف های فی ما بین را از میان بردارد (Reynolds, 2012: 11). اما در کنار این موضوع آنچه که دارای اهمیت است تنوع استراتژی و واکنش های منطقه ای به رویکرد ها و استراتژی های ترکیه است. بدون تردید ترکیه تنها

بازیگر منطقه نیست و این به تنهایی نمی تواند به صورت مستقل استراتژی را به پیش ببرد. بلکه تعارض و تنوع رویکردهای منطقه ای خود عاملی مهم در موفقیت و راهبرد ترکیه خواهد بود. یکی از این ابعاد استراتژی ترکیه تعاض بین اروپایی شدن و تضاد منطقه با سیاست های اروپا است. به طور مشخص حضور ناتو در ترکیه و عاملیت آن در سیاست های دفاعی و امنیتی منطقه یک حلقه مهم در سیاست خارجی ترکیه است. کاهش تنش با دول پیرامونی در کنار حضور ناتو در منطقه می تواند تاثیر مخربی در سیاست منطقه ای و رخدادهای آن داشته باشد. لذا، نقش ناتو بر سیاست خارجی ترکیه در قابل دول همجوار متغیری مهم بشمار می رود که بایستی به دقت مورد توجه و تحلیل قرار گیرد.

از این رو، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این نقش با روش توصیفی - تحلیلی است. به گونه ای که تعارض رویکرد ناتو با برخی از کشورهای منطقه در کنار سیاست ترکیه برای بهبود وضعیت منطقه ای در برخی از عوامل در تضاد با یکدیگر قرار گرفته و می تواند این تنش خود تبدیل به بحران منطقه ای گردد. سوال اصلی این پژوهش بر ناتو چه تاثیری بر رویکرد ترکیه در قبال دول همجوار دارد؟ استوار بوده و سعی در تحلیل رفتارها و پاسخ گویی به سوال پژوهش می باشد. در ادامه ضمن بررسی سیاست خارجی ترکیه با کشورهای منطقه بر عامل تغییر و اثر بخشی ناتو در این سیاست ها تمرکز خواهد شد.

ترکیه و ناتو

در شرایط کنونی ناتو حدود ۲۰ هزار نیروی نظامی فعال در جهان دارد و بر پایه برخی گزارش ها، این پیمان نظامی در سال ۲۰۱۸ هزینه ای معادل ۹۸۹ میلیارد دلار داشته است. باوجود بازیگری ناتو در مناطق مختلف جهان این تصور وجود دارد که سازمان پیمان نظامی آتلانتیک شمالی همچنان به عنوان قدرتی بلامنازع در عرصه بین المللی عمل خواهد کرد در حالی که به باور ناظران، پیمان مذکور با چالش های جدی مواجه است؛ چالش هایی که حتی ممکن است بقای ناتو را نیز خطر انداخته و سرنوشتی همچون ورشو را برای آن رقم بزند.

ترکیه با عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۱۹۵۲ با امکانات، توان و پتانسیل خود یکی از اعضای موثر در تقویت فرماندهی و توان نظامی این سازمان به شمار می رود. ترکیه که در تمام فعالیت های ناتو شرکت داشته و توان خود در زمینه صنایع دفاعی را گسترش داده و یکی از کشورهایی است که در بودجه مشترک ناتو سهم بزرگی دارد. ترکیه سال گذشته ۸۹،۹ میلیون یورو به بودجه مشترک ناتو کمک کرد. اجلاس سران کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) روزهای سوم و چهارم دسامبر (۱۲ و ۱۳ آذر) در لندن برگزار شد. ناتو هم زمان با برگزاری این اجلاس

هفتادمین سالروز تاسیس خود را جشن خواهد گرفت. یکی از تنش های مهم اخیر در ناتو اختلاف نظر و انتقاد از رویکرد های ترکیه در قبال مساله کردها و خرید سامانه موشکی اس ۴۰۰ از روسیه و حضور ترکیه در شمال سوریه بوده است. همچنین ترکیه مانع انتشار طرح ناتو برای محافظت از کشورهای منطقه بالتیک و لهستان در مقابل تهدید روسیه شده است. بهانه این موضع ترکیه، وتوی طرح ناتو برای مقابله با تهدیدهایی می باشد که ترکیه ممکن است از مرزهای جنوبی خود با آن مواجه شود. (۱). به رغم برخورداری های راهبردی ترکیه در ناتو، برخی اعضای این سازمان ترکیه را یک عضو «مشکل ساز» و البته موثر برای این سازمان نظامی می دانند و معتقدند ترکیه به ویژه پس از وقوع کودتای نافرجام ۱۵ جولای در سال ۲۰۱۶ مشکلاتی را برای این سازمان فراهم کرده که عملاً ممکن است ادامه فعالیت این کشور در ناتو را تحت الشعاع قرار دهد. بنابراین به نظر می رسد بازی پیچیده و در عین حال سرنوشت سازی که به ظاهر از سوی ترکیه آغاز شده با نزدیک شدن به روسیه ناتو را در شرایط بسیار پرمخاطره و حتی حیاتی قرار داده که می تواند موجودیت این سازمان را در شرایط حاد قرار دهد. از طرفی دیگر ناتو نیز با بهره گیری از ظرفیت های اتحادیه اروپا به دنبال اثر بخشی در معادلات منطقه بخصوص مسائل خاورمیانه است که می تواند سیاست های ترکیه را در منطقه دستخوش تغییر بکند.

ترکیه کشوری کلیدی در ناتو محسوب می شود زیرا ترکیه در کنار آن که هدف گروه های تروریستی مختلف قرار گرفته است، به لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک خود از مشکلات امنیتی منطقه یورو آتلانتیک نیز به طور مستقیم متاثر می شود. علاوه بر مقابله با تهدیدها از طریق امکانات و توان ملی خود، در داخل ناتو نیز توان دفاعی و امنیتی خود را افزایش می دهد و در رویکرد دفاع جمعی آن نیز نقش دارد و از کشورهایی است که نقش به سزایی در ماموریت های این سازمان دارد. (خلیل نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲)

ترکیه به همراه آمریکا در شرق و جنوب، آلمان در شمال و ایتالیا در غرب در چارچوب ماموریت پشتیبانی ناتو در افغانستان یکی از چهار کشور فعال در این منطقه است. ترکیه در کابل حضور پررنگ و حفظ امنیت فرودگاه بین المللی حامد کرزای این شهر را نیز برعهده دارد. ترکیه به عنوان بخشی از نیروهای حافظ صلح ناتو در کوزوو نیز حضور دارد و از اقدامات این سازمان در عراق نیز حمایت می کند. ترکیه با نظارت و ممانعت از عبور غیرقانونی از دریای اژه یکی از عناصر دائمی ناتو در این دریاست. همچنین با حفظ امنیت در سواحل دریای سیاه، ابتکارات و مشارکت کشورهای منطقه در این زمینه را نیز رهبری می کند. ترکیه از اقدامات نیروهای دریایی دائمی ناتو در دریای سیاه نیز حمایت می کند. ترکیه در تامین سوخت هواپیماهای آواکس ناتو که در قالب ائتلاف بین المللی مبارزه با داعش بر فراز کشور پرواز می کنند نقش دارد و این هواپیماها از پایگاه قونیه نیز استفاده می کنند.

ترکیه با هواپیماهای AWACS خود در قالب تدابیر امنیتی کشورهای عضو ناتو از منطقه اروپای شرقی به هواپیماهای این اتحاد نظامی سوخت رسانی می کند. ترکیه سوخت لازم گروه دوم نیروی دریایی ناتو و گروه دوم نیروهای ضد مین را تامین می کند.

ترکیه به همراه رومانی، لهستان و اسپانیا یکی از کشورهای کلیدی در سپر دفاع موشکی ناتو است. منطقه کورجیک در مالاتیا میزبان رادار AN/TPY-2 است. مرکز کنترل آن در آلمان بوده و در صورت بروز تهدید فرمان شلیک موشک ها از رومانی را ارسال می کند. از سوی دیگر ترکیه از برنامه توسعه این برنامه دفاع موشکی را برای حفاظت از خاک خود و متحدانش در ناتو حمایت می کند. (۳) ترکیه از جمله کشورهایی است که نقشی جامع در اتحاد ناتو دارد. فرماندهی نیروی زمینی ناتو در ازبکستان است. یکی از ۹ قرارگاه نیروی واکنش سریع ناتو در مرکز فرماندهی استانبول قرار دارد. ترکیه همچنین در سال ۲۰۲۱ فرماندهی نیروهای ویژه (VJTF) ناتو را برعهده خواهد گرفت. ترکیه همچنین در چهارچوب سیاست مشارکتی ناتو از مکانیزیم های سازمان های بین المللی پشتیبانی و برخی از این پروژه ها را هدایت می کند. حمایت مالی و نیروی متخصص از ۱۷ پروژه از مجموع ۲۰ برنامه صندوق مالی ناتو از جمله این حمایت هاست. این کمک مالی و تامین نیروی متخصص در ساخت ظرفیت دفاعی ناتو در گرجستان، اردن، مولداوی و عراق در جریان است. (تقی پور، ۱۳۹۸).

تاثیر ناتو بر سیاست خارجی ترکیه در برابر روسیه

به طور کلی، تهدید های هزاره سوم موجب فراهم شدن زمینه های لازم برای ایفای نقش ناتو در دوسوی آتلانتیک و کل نظام بین الملل گردید که این امر بازتعریف مفاهیم استراتژیک ناتو و همکاری این پیمان را با روسیه به دنبال داشته است. از جمله مهم ترین همکاری های امنیتی که به دنبال تهدید های مشترک نوین، منافع این دو بازیگر فعال نظام بین الملل را با خطر مواجه ساخته ؛ مسئله تروریسم، افغانستان و سپر دفاع موشکی می باشد. روسیه و ناتو به خوبی درک نموده اند که حل تهدید های نوین امنیتی نظام بین الملل تنها از طریق همکاری های امنیتی مشترک ممکن می باشد. برای نمونه ناتو و روسیه در خصوص مسئله و بحران تروریسم، یک عملیات مشترک هوایی را در سال ۲۰۱۱ انجام دادند.

همچنین سه حوزه همکاری را میان خود برای صلح و امنیت در طرح اقدام ۲۰۱۰-۲۰۱۲ تصویب نمودند که شامل کشف مواد منفجره، تحقیق مشترک جهت تقویت امنیت سیستم هایی که در برابر حمله های تروریستی آسیب پذیرند و همچنین مطالعه بر روی عامل های انسانی می باشد. روسیه و ناتو در خصوص مسئله افغانستان نگرانی های مشترکی دارند؛ موضوع تولید مواد مخدر که از آن به عنوان سونامی

مواد مخدر یاد می شود و همچنین تداوم فعالیت گروه های تروریستی، از مباحثی می باشد که ناتو و روسیه را به همکاری بیشتر در خصوص مسئله افغانستان مجبور ساخته است. به این ترتیب روسیه به رغم ناراحتی از گسترش ناتو و تداوم حضور آن در افغانستان، چندی است از اقدام های ناتو مانند آموزش نیروهای امنیتی افغان حمایت می کند و حتی به این سازمان از طریق در اختیار قرار دادن امکاناتی چون بالگردها و لوازم یدکی آن کمک کرده است. روسیه حریم هوایی خود را در اختیار ائتلاف بین المللی برای حمله به طالبان قرار می دهد. از سویی، ناتو نیز خود را قادر نمی بیند بدون یاری دیگران خصوصاً روسیه به مقابله با چالش های پیش روی افغانستان بپردازد. برای نمونه در نوامبر ۲۰۱۰ روسیه و ناتو در اقدامی هماهنگ و مشترک، عملیاتی را در جهت مبارزه با گسترش کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان به اجرا گذاشتند. به بیانی از آنجایی که به باور بسیاری از تحلیلگران افغانستان از پایگاه های اصلی تروریسم محسوب می شود، همکاری روسیه و ناتو در این خصوص آزمونی سخت برای تحول روابط میان آنها محسوب میشود. به باور سران ناتو، این سازمان باید برای مقابله با تهدیدهایی چون تکثیر سلاح کشتار دسته جمعی با روسیه همکاری کند که در مفهوم نوین استراتژیک توجه زیادی به آن شده است. سپر دفاع موشکی مشترک نیز مسئله دیگری است که سران ناتو طی نشست لیسبون از طریق شورای ناتو- روسیه مورد توجه قرار دادند. به زعم ناتو تکثیر موشک های بالستیک موجب افزایش تهدید برای این سازمان گردیده که مشارکت با روسیه را در خصوص سیستم دفاع موشکی می طلبد. ناتو با در نظر گرفتن نگرانیهای روسیه در این مورد درصدد ایفای نقش برای روسیه و همکاری آن در مورد سیستم رادار اعلام خطر می باشد. از سوی دیگر مفهوم جدید استراتژیک نشان می دهد که ناتو در همکاری با روسیه در خصوص دفاع موشکی درصدد دستیابی به یک نوع شفافیت در مورد سلاح هسته ای روسیه است. روسیه نیز بیان می دارد که اگر با ناتو در خصوص امضای یک موافقتنامه به نتیجه نرسد، آنگاه تصمیم های ناخوش آیندی در مورد استقرار موشک های تهاجمی هسته ای می گیرد. به رغم مخالفت های روسیه علیه دفاع موشکی، ناتو همواره خواهان افزایش همکاری های خود با روسیه در این خصوص است. به طور کلی ناتو مصمم است امنیت اروپایی را از طریق سیستم دفاع موشکی مستقل ناتو- روسیه تامین کند.

در واقع، محیط امنیتی جدید، چالش های گسترده ای را برای ناتو به دنبال داشته و به همین منظور ناتو فعالیت های موثری در سه زمینه اصلی مورد توجه قرار داده است:

۱- دفاع دسته جمعی؛

۲- مدیریت بحران؛

۳- همکاری امنیتی.

آنچه بیشتر از دیگر موارد، مورد تاکید تحلیلگران قرار گرفته، مسئله همکاری های امنیتی ناتو با دیگر بازیگران می باشد. مفهوم استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو بر همکاری امنیتی به عنوان یکی از سه وظیفه اصلی ناتو تاکید دارد. چالش های نوین امنیتی به نظر بسیاری فراملی است و واکنش موثر و گستردهای را از سوی شرکا، کشورها و سازمان های بین المللی طلب می کند. مفهوم استراتژیک تاکید می کند ناتو برای توسعه گفتگوی سیاسی و همکاری کاربردی با هر کشور و سازمانی در نظام بین الملل که دارای منافع مشترک با ناتو در زمینه روابط صلح آمیز باشد، تمایل دارد. روسیه نیز نقش و جایگاه همکاری در مورد سلاح ها و موشک های هسته ای با اروپا را بسیار مهم ارزیابی می کند. کرملین پس از منازعه نظامی با گرجستان در سال ۲۰۰۸، بیشتر از همیشه به اهمیت به روز رسانی تجهیزات نظامی متعارف خود پی برد. طبیعتاً همکاری های صورت گرفته با ناتو در زمینه برقراری سپر دفاع موشکی، سلاح های تاکتیکی و همچنین کاهش سلاح های هسته ای، این فرصت را برای روسیه فراهم می آورد که جدی تر و با آسودگی خاطر از مسائل و رقابت های هسته ای گذر کرده و روی به تجهیز سلاح های متعارف آورد. از سوی دیگر مشارکت در طرح هایی همچون افغانستان برای روسیه بسیار حیاتی است.

روابط روسیه و ترکیه طی سالهای اخیر با فراز و نشیب های بسیار زیادی همراه بوده است؛ به نحوی که گاهی دو کشور از برقراری روابط استراتژیک سخن گفته اند و گاهی نیز تا مرز تنش های لفظی و حتی رویارویی نظامی پیش رفته اند. با توجه به سابقه نه چندان مناسب روابط روسیه و ترکیه از لحاظ تاریخی و همچنین مناسبات تن شالود دو کشور در دهه ۱۹۹۰، سطح همکاری های دو طرف در شرایط کنونی نشان می دهد که مسکو و آنکارا ضمن حفظ اختلافات خود در حوزه های مختلف، نیاز متقابل به یکدیگر به خصوص در حوزه های اقتصادی را درک کرده اند. به همین دلیل در طول سال های گذشته، رهبران دو کشور، دیدارهای بسیار زیادی با یکدیگر داشته اند و سعی کرده اند روابط تاریخی خصمانه یا رویدادهای تنش زا را به فراموشی بسپارند. در این بین روسیه از توسعه همکاری و تحکیم روابط با ترکیه، اهداف و منافع خاص خود را تعقیب می کند که بررسی جنب ههای گوناگون این مسئله از اهمیت زیادی برخوردار است.

در ابعاد نظامی و امنیتی، مناسبات روسیه و ترکیه به واسطه تحولات دو دهه گذشته در معرض عوامل تاثیرگذار مهمی قرار گرفته است. رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تداوم مناقشه قره باغ میان ارمنستان و آذربایجان، تغییر حکومت طالبان در افغانستان، اشغال عراق توسط آمریکا، جنگ آگوست ۲۰۰۸ میان روسیه و گرجستان، تیرگی روابط آنکارا و تل آویو، مسئله هسته ای ایران، وقوع تحولات انقلابی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا و همچنین بحران سوریه از جمله این عوامل بشمار می روند. با این اوصاف، روسیه از لحاظ نظامی و امنیتی چند مسئله مهم را در ارتباط با ترکیه دنبال می کند: نخستین

ملاحظه نظامی و امنیتی روسیه در تحکیم روابط با ترکیه این است که مسکو تلاش می کند تا حد ممکن از تاثیرگذاری ترکیه بر مسائل داخلی خود بکاهد. ترکیه از دیرباز دارای روابط گسترده ای با شورشیان و جدایی طلبان قفقازی بوده و از این قابلیت برخوردار است که از ظرفیت آنها حتی در راستای انجام یک عملیات تروریستی در خاک روسیه استفاده کند. همچنین ترکیه با توجه به وجود پیوندهای ترکی با برخی از اقوام نواحی مرکزی روسیه نظیر تاتارها و باشقیرها می تواند به اعمال فشار علیه مسکو دست بزند. کما اینکه پیشتر آنکارا برای تحت فشار قرار دادن روسیه در مورد اوکراین، با حضور تاتارهای کریمه، دست به تشکیل مجمع تاتارهای جهان در ترکیه زد. بنابراین روسیه در روابط خود با ترکیه، مسائل مهم امنیتی در حوزه قومی و جدایی طلبی را لحاظ می کند.

دومین ملاحظه نظامی و امنیتی روسیه در خصوص ترکیه به مسائل منطقه ای در قفقاز، دریای سیاه، بالکان و غرب آسیا مرتبط می شود که از اهمیت راهبردی بسیار زیادی برخوردار هستند. بر این اساس روسیه تلاش می کند رویکرد ترکیه را در مورد مسائل مهم این مناطق از رقابت به همکاری تغییر دهد. تاریخ روابط دو کشور نشان می دهد که بخش مهمی از رقابت های مسکو و آنکارا به بحرانها و مناقشه های موجود در این مناطق همچون مناقشه قره باغ، بحران سوریه و بحران گرجستان (جنگ اوت ۲۰۰۸) و بحران اوکراین (۲۰۱۴) مرتبط می شود و چنانچه ترکیه تمایل خود را مبنی بر سیاست پان ترکیستی یا نوعثمانی گرای در مناطق پیرامونی قرار دهد، با منافع و اهداف روسیه تضاد پیدا می کند. زیرا چنین سیاستی می تواند در منطقه غرب آسیا به نقش مخرب ترکیه نسبت به دو شهر حلب در سوریه و موصل در عراق منجر شود و در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به افزایش گرایش پان ترکیستی بیانجامد و حتی تا منطقه سین کیانگ چین و نواحی ترک نشین روسیه در قفقاز شمالی و اورال نیز گسترش یابد.

بنابراین برای روسیه بسیار مهم است که ترکیه را از بازیگر فعالی که قابلیت کارشکنی در مسائل منطقه ای دارد، به بازیگری همراه و همسو تبدیل کند. سومین ملاحظه نظامی و امنیتی روسیه در تحکیم روابط با ترکیه این است که مسکو سعی دارد از تاثیر عوامل خارجی بر روابط خود با آنکارا بکاهد و تا حد ممکن این کشور را از مدار غربی خارج کند. واقعیت آن است که یکی از مهمترین عواملی که همواره بر روابط روسیه و ترکیه تاثیرگذار بوده، عامل بین المللی یا غربی است. به این معنا که روابط روسیه و ترکیه چه در طول تاریخ و چه در دوران کنونی، همواره یک روابط سه ضلعی بوده است که در آن، عامل بین المللی یا غربی از نقش بسیار مهمی برخوردار بوده است. چنانکه هر گاه سیاست خارجی ترکیه به سمت غرب حرکت کرده، تنش های سیاسی و امنیتی با روسیه پدیدار گشته اند و بالعکس، هر گاه سیاست تر کها به سمت شرق معطوف شده، روابط مسکو و آنکارا نیز بهبود یافته است.

از این بعد گسترش روابط بین ترکیه و ناتو عاملی مهم در فراز و نشیب رابطه بین ترکیه و روسیه بشمار می رود. به طوریکه این رابطه به نوعی در برخی از موارد به دلیل همگرایی در مسائل امنیتی همسو شده برای مثال در موضوع داعش و در برخی از موضوعات مانند بحث فلسطین در تقابل قرار می گرد. لذا، سیاست خارجی ترکیه در برابر روسیه متأثر از متغییر نگاه ناتو به مناسبات منطقه ای است.

سیاست خارجی ترکیه در برابر خلیج فارس

شکل گیری نقش ناتو در طرح خاورمیانه بزرگ، با واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن حمله به عراق آغاز گردید و در سال ۲۰۰۴ در قالب ابتکار همکاری استانبول شکل رسمی تری به خود گرفت. ابتکار همکاری استانبول که در مارس ۲۰۰۴ در نشست ناتو در استانبول ارائه گردید، کشورهای منطقه خاورمیانه بزرگ به ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را به همکاری عملی با ناتو دعوت می کند.

ناتو و خلیج فارس

وظیفه جدید در چهارچوب این ابتکار عبارت است از شناسایی و مقابله با خطرهایی که کشورهای عضو را در منطقه خاورمیانه بزرگ تهدید می کنند، به ویژه از طریق اقداماتی نظیر:

- مقابله با تروریسم؛
- مبارزه با گسترش سلاحهای کشتار جمعی؛
- همکاری در امور امنیت مرزی به منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و انسان؛
- تهیه برنامه های مشترک جهت مقابله با مصائب بزرگ و شرایط اضطراری؛
- آموزش های نظامی و امنیتی؛
- شرکت در تمرین های ناتو؛
- ارائه خدمات و کمک های فنی برای انجام اصلاحات در سیستم های نظامی و مناسبات نظامی-مدنی؛
- هماهنگ سازی سیستم ها و تجهیزات نظامی به منظور حذف ناسازگاری ها و تسهیل اقدامات مشترک (عبداله، ۲۰۰۳: ۱۱۲).

به دنبال نشست استانبول، نشست دیگری در سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر کیف پایتخت اوکراین در زمینه راه های محافظت از مبادی انرژی در مقابل حملات تروریستی با حضور نمایندگانی از کشورهای عضو ناتو برگزار شد. بر این اساس فاز دوم مبارزه با تروریسم، برقراری امنیت در مناطق تولید کننده انرژی نظیر خلیج فارس قرار گرفت. پس از آن، در مارس ۲۰۰۵ کنفرانس ناتو و خاورمیانه بزرگ تشکیل

شده و برای نخستین بار، بر لزوم نزدیکی ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تاکید شد. در این نشست از نمایندگان کشورهای کویت، بحرین و قطر نیز جهت حضور و اعلام نظر دعوت به عمل آمده بود. در واقع ناتو تلاش های خود را برای تکرار برنامه ای مشابه طرح ((گفت و گوهای مدیترانه ای)) در نقطه ای دیگر از جهان آغاز کرده بود. چندی بعد امارات متحده عربی نیز در ژوئن ۲۰۰۵ آمادگی خود را برای آغاز گفت و گوها با ناتو که از طرح ((ابتکار همکاری استانبول)) در سال ۲۰۰۴ سرچشمه گرفته بود، اعلام کرد. البته امارات متحده پیش از این نیز در سال ۱۹۹۹ در قالب نیروهای مستقر در کوزوو به همراه نیروهای چند ملیتی ناتو و برخی کشورهای متحد آن، به همکاری با این سازمان پرداخته بود (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۱۳-۲۱۵).

به این ترتیب از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس تنها عربستان و عمان هستند که هنوز به این طرح نپیوسته اند. گفتنی است عربستان نیز از پاییز ۲۰۰۵ گفت و گوهای غیر رسمی خود با مسئولان ناتو را در زمینه همکاری های نظامی آغاز کرده بود. در سپتامبر ۲۰۰۵ نیز کنفرانسی تحت عنوان روابط ناتو-خلیج فارس، در چهارچوب ابتکاری همکاری استانبول در دبی برگزار شد و در آن اعضای شش کشور عضو شورای همکاری به تبادل نظر با مقامات پیمان آتلانتیک شمالی در زمینه افزایش همکاری های امنیتی دو جانبه در سطح منطقه پرداختند. به دنبال آن کنفرانس دیگری در دوحه قطر در دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد و با توجه به تحولات جدید در سطح منطقه، با دیگر دبیرکل ناتو به مذاکره با نمایندگان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس پرداخت. مسائل امنیتی، جنگ علیه تروریسم و پرهیز از گسترش سلاح های کشتار جمعی، مهم ترین محور مذاکرات میان ناتو و این کشورها را تشکیل می داد.

نشست در تاریخ ۲۵ آوریل ۲۰۰۸ کنفرانسی بین المللی با عنوان روابط ناتو و بحرین میان فرماندهی ستاد مشترک ارتش بحرین و ناتو در منامه برگزار شد. در این نشست، توافقاتی صورت گرفت از جمله همکاری های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی. توافقینامه حفاظت از اطلاعات طبقه بندی شده توسط وزیر وقت امور خارجه بحرین و دبیر کل وقت ناتو در مراسم افتتاحیه این کنفرانس به منظور درک بیشتر متقابل میان کشورهای عضو شورا و ناتو به امضا رسید. در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۰۸ جان مایکل بوچرون از دیپلمات های برجسته ناتو قویا اعلام کرد که در صورت بروز هرگونه حمله و تهاجم علیه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی وارد عمل خواهد شد و از آنها دفاع خواهد کرد. همچنین وی تاکید نمود که ناتو نسبت به ماجراجویی های نظامی در منطقه بی تفاوت نخواهد بود، اگرچه در زمان حمله عراق به کویت به دلیل برخی ملاحظات بین المللی وارد عمل نشدیم، اما در جنگ بعدی با رژیم بعث عراق نقش خود را آن چنان که می بایست اجرا و به وظایف بین المللی خود عمل خواهیم نمود.

ترکیه و خلیج فارس

سیر تحولات و رویدادهای سالیان اخیر در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس، دولت های عرب خلیج فارس را بر آن داشت تا برای تامین هر چه بیشتر امنیت خود، از اتکای همیشگی به ایالات متحده کاسته و نقش عمده ای را نیز به کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و پیمان آتلانتیک شمالی ناتو واگذارد. در واقع کشورهای منطقه می توانند در حوزه های اصلاحات دفاعی، بودجه بندی، برنامه ریزی، مناسبات نظامی و غیر نظامی با یکدیگر همکاری نمایند. همکاری استانبول در واقع مکمل و در امتداد طرح قبلی ناتو یعنی گفتگوی مدیترانه ای ناتو می باشد. به نظر می رسد یکی از اهداف این دو پیمان، گسترش نفوذ رژیم اسرائیل در ترتیبات امنیتی - سیاسی منطقه و فراهم کردن زمینه کنار هم نشاندن این رژیم با کشورهای اسلامی منطقه و اجرای برنامه مشترک می باشد (فلاحی، ۱۳۸۵: ۳۴۵).

در کنار این موضوع ترکیه با بهره گیری از ظرفیت ناتو توانسته است نفوذ قابل توجهی در کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد کند. در نگاهی به روابط تاریخی ترکیه با کشورهای عربی باید گفت که ترکیه در دهه های گذشته یکی از کشورهای تاثیرگذار در حوزه روابط با کشورهای عربی به ویژه کشورهای حوزه جنوب خلیج فارس بوده است. البته این روابط بیشتر بر حوزه های اقتصادی، سیاسی و تجاری متمرکز بوده است. اما از سال ۲۰۱۱ به بعد و پس از بهار عربی، روابط آنکارا با کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان و امارات دچار دگردیسی های عمیق تری شده است.

در واقع عربستان با توجه به نفوذ سیاسی و معنوی که در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس داشته و دارد، تلاشش بر این است که با یک ائتلاف سازی درون منطقه ای با محور وهابیسیم، این کشورها را به نوعی با سیاست های منطقه ای خود همراه و همگام سازد. از سوی دیگر ترکیه بعد از بهار عربی به عنوان نماینده اخوانیسیم در منطقه، تلاش کرده که به زعم خود، الگوی جدیدی از اسلام میانه رو را در خاورمیانه و شمال آفریقا ارائه دهد. بر این اساس، بحث تقابل در نمایندگی دو الگو (وهابیسیم و اخوانیسیم) روابط ریاض و آنکارا را با چالش های جدی مواجه ساخته است؛ به طوری که به رغم منافع همسوی دو کشور در بحث حمایت از مخالفان بشار اسد در سوریه، به مرور زمان شاهد آن هستیم که عربستان و ترکیه از ائتلاف خود ساخته در سوریه علیه نظام بشار اسد فاصله گرفته و در تحولات منطقه نیز اختلافات میان دو کشور آشکارتر شده است. نکته ای که این اختلافات را پررنگ تر می کند این است که طبق برآورد مقامات امنیتی ترکیه، دستگاه های امنیتی و برخی از مسئولان عربستان و امارات در کودتای نافرجام ترکیه دست داشته اند. این مسئله بستر ساز اختلافات آینده میان ترکیه و برخی از کشورهای حوزه حاشیه جنوبی خلیج فارس خواهد بود. از سوی دیگر بحث قتل روزنامه نگار منتقد عربستان سعودی در کنسولگری این کشور در ترکیه یعنی جمال خاشقجی،

روابط آنکارا و ریاض را بیش از گذشته با چالش‌های جدی مواجه ساخت و باعث شد که دو کشور در حوزه رسانه‌ای، یکدیگر را به دخالت در امور کشورهای منطقه متهم سازند.

از دیگر مسائل مطرح در روابط ترکیه و عربستان می‌توان به تلاش‌های آنکارا برای متوازن‌سازی روابط با ایران و روسیه اشاره کرد. در حالی که عربستان همچنان بر طبل تنش با ایران می‌کوبد و هرگونه پیام مثبت برای آشتی و شروع دیپلماسی با هدف خارج شدن از بحران‌های منطقه‌ای با ایران را رد می‌کند، ولی ترکیه در نشست‌های سه جانبه با ایران و روسیه در آستانه قزاقستان همچنان مشارکت دارد. از دیگر مواردی که می‌تواند بحران روابط میان ترکیه و عربستان و برخی از کشورهای همسو با ریاض را در آینده با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه سازد، بحث نوع روابط ترکیه با قطر است. ترکیه و قطر همچنان از اخوانی‌ها در مصر و برخی از کشورهای منطقه حمایت می‌کنند. حتی آنکارا برای دفاع از قطر، چند پایگاه نظامی در دوحه قطر تاسیس کرد و به حمایت از امیر این کشور متعهد است. این مسئله نیز می‌تواند روابط میان عربستان و ترکیه را بیش از گذشته تحت تاثیر قرار داده و با بحران مواجه کند. به نظر می‌رسد به‌رغم تداوم برخی از همکاری‌های اقتصادی میان ترکیه با عربستان و امارات، اما در حوزه سیاسی و امنیتی، چالش‌های جدی در آینده پیش‌روی این کشورها قرار خواهد گرفت. نکته دیگر اینکه شاید به دلیل تهدید مشترکی که مقابل عربستان و امارات از خیزش مجدد الگوی اخوانیسم در منطقه شکل گرفته، ریاض و متحدان آن تمایل بیشتری به گسترش روابط در حوزه‌های نظامی و سیاسی با اسرائیل داشته باشند.

در نهایت اینکه برخی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مانند بحرین، عربستان را به عنوان پدرخوانده در منطقه پذیرفته‌اند؛ بحرین به دلیل حاکمیت اقلیت سنی و ترس از جایگاه شیعیان و خیزش‌های انقلابی آن‌ها، تمام سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای خود از جمله در قبال آنکارا را با ریاض هماهنگ کرده است. اما عمان نوعی استقلال‌طلبی را در سیاست‌های منطقه و به خصوص در روابط با ترکیه و ایران برای خود حفظ کرده است. کویت نیز در قبال مسائل منطقه و بحران‌های ادامه‌دار بین ایران و ترکیه با عربستان تلاش دارد راه‌میانه‌ای را در پیش بگیرد و از تیره‌تر شدن روابط با آنکارا و تهران و بحرانی‌تر شدن اوضاع منطقه جلوگیری کند. گرچه کویت در برخی سیاست‌ها به‌ویژه بحران یمن همسویی بیشتری با عربستان دارد، اما در مسائل دیگر بین قدرت‌های منطقه‌ای، سعی دارد راه میانه را در پیش بگیرد و از ورود جدی به این بحران‌ها خودداری کند.

سیاست خارجی ترکیه در برابر منطقه قفقاز

در گذشته کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز بخشی از امپراتوری شوروی محسوب می شدند و برای مدت طولانی اصولاً بحث چندانی در مورد آنها در عرصه بین المللی وجود نداشت. اما با فروپاشی شوروی و ایجاد کشورهای تازه استقلال یافته ای چون قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، آذربایجان، گرجستان و ارمنستان، به یکباره فضا تغییر کرد و در این منطقه رقابت های گسترده ای بین روسیه، چین، آمریکا، اسرائیل، ترکیه، ایران و حتی عربستان سعودی شکل گرفت.

در این رقابت گسترده هر کدام از طرف ها به دنبال آن بودند که با تاثیر گذاری بر فرایندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشورها، آنها در راستای منافع خود شکل دهند؛ با این وجود جدال اصلی در این منطقه بین روسیه و کشورهای غربی به رهبری آمریکا شکل گرفت. در چارچوب این رقابت گسترده، که برخی از کشورهای منطقه نیز با آن همراه شدند، روس ها تلاش داشته و دارند تا با ایجاد سازو کارهایی همچنان کنترل خود را بر روی این کشورها حفظ کنند. برای نمونه در سازمان کشورهای مشترک المنافع چون مقابل کشورهای غربی تلاش می کنند تا با ایجاد روابط گسترده سیاسی، اقتصادی و نظامی با کشورهای این منطقه، به شکلی به استقلال و دوری آنها از روسیه کمک کنند. روس ها همچنین برای مقاومت در برابر نفوذ غرب در منطقه به دنبال گسترش تعامل با چین بوده اند که ایجاد پیمان همکاری شانگهای با چنین منطقی به خوبی قابل تجزیه و تحلیل است.

در چنین چارچوبی از رقابت، ورود ناتو به منطقه آسیای میانه و قفقاز را باید عاملی برای تقویت موضع غرب و تلاش برای پر کردن خلاء قدرت به وجود آمده بعد از فروپاشی شوروی، کنترل بر منابع عظیم انرژی، تضعیف رقبا و کنترل اسلامی سیاسی ارزیابی نمود. به عبارت دیگر در چارچوب رقابت غرب با روسیه، ورود ناتو به منطقه را باید به عنوان یکی از ابزارهای مهم غرب ارزیابی نمود که نقش آن صرفاً در حوزه نظامی و امنیتی نیست.

علت های حضور ناتو در قفقاز

کارشناسان مختلف دلایل متعددی را برای گسترش حضور ناتو در منطقه آسیای میانه و قفقاز در سطوح سیاسی، نظامی، امنیتی و حتی اقتصادی مطرح کرده اند. البته کشورهای عضو ناتو و همچنین کشورهای آسیای میانه و قفقاز، تلاش برای افزایش سطح همکاری های امنیتی و در نهایت تقویت امنیت منطقه ای و جهانی را مهم ترین دلیل همکاری می دانند؛ با این وجود از شواهد و قرائن و همچنین حوزه همکاری ها مشخص است که اهداف اصلی ناتو از همکاری با این کشورها در چارچوب رقابت غرب با

روسیه و چین، مساله امنیت انرژی، مقابله با بنیادگرایی و تروریسم و کنترل روندهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورهای منطقه قرار دارد.

الف. پرکردن خلاء قدرت و تضعیف روسیه

برخی تحلیلگران برای توجیه گسترش ناتو به شرق، هدف نهایی را تضعیف جایگاه روسیه در میان کشورهای آسیای میانه و قفقاز ارزیابی می کنند. این کارشناسان معتقدند که فرایند گسترش ناتو به سوی شرق ماهیت ضدروسی دارد و با هدف تضعیف جایگاه این کشور در عرصه بین المللی دنبال می شود. در مقابل بعضی دیگر بر این باورند که فرآیند گسترش ناتو کاملاً ضدروسی نیست، اما یکی از محرک های آن روسیه است. بر این مبنا گفته می شود، خلاء قدرت به وجود آمده در اوراسیا، پتانسیل برهم زدن موازنه قدرت را در خود دارد، زیرا به هر حال روسیه قدرتمندترین کشور منطقه است.

ب. وجود منابع عظیم انرژی

یکی دیگر از مهم ترین دلایل توجه کشورهای غربی و ناتو به منطقه آسیای میانه و قفقاز، به مساله امنیت انرژی بر می گردد. لازم به ذکر است که کشورهای غربی و به خصوص آمریکا به شدت نگران افزایش وابستگی خود به نفت و گاز وارداتی به خصوص از خاورمیانه هستند. به همین دلیل به شدت به دنبال راه کارهایی هستند که از میزان وابستگی خود به منابع نفت خاورمیانه بکاهند. در این راستا، یکی از گزینه های پیش روی کشورهای غربی که در راستای سیاست های متنوع سازی مناطق تامین انرژی در اولویت قرار دارد، تلاش برای ورود به بازار انرژی آسیای میانه و قفقاز است.

پ. مقابله با اسلام سیاسی

به باور بسیاری از کارشناسان و کشورهای غربی، مهار اسلام سیاسی در آسیای میانه و قفقاز ضروری است؛ چرا که جنبش های طرفدار اسلام سیاسی در جهت تضعیف یا سرنگونی رژیم های سکولار و منافع دولت های دوست و حامی آنها تلاش می کنند. جالب آنکه حتی در برخی تحلیل ها، خطر اسلام سیاسی در کشورهای آسیای میانه و قفقاز به اندازه کمونیسم در زمان شوروی سابق ارزیابی می شود. بر این مبنا، از نظر برخی کارشناسان غربی، همسایگی جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز با ایران و افغانستان، تاثیرپذیری کل منطقه از جریان اسلام سیاسی و ضعف این کشورها در مقابله با این تاثیر، توجیه کننده سیاست گسترش ناتو با هدف مقابله با چنین روندی است.

ت. کنترل گسترش تسلیحات غیرمتعارف در منطقه

تقریباً تمامی کشورهای آسیای میانه و قفقاز به اشکال مختلف و در سطوح متعدد، دارای توانایی های در زمینه ساخت انواع و اقسام تسلیحات غیرمتعارف هستند، که عمدتاً از اتحاد جماهیر شوروی برای آنها باقی مانده است. ضمن اینکه بسیاری از این کشورها در مراحل اول استقلال اصولاً دارای انواع تسلیحات غیرمتعارف هسته ای، شیمیایی، میکروبی و موشک های دوربرد بودند. به عنوان نمونه، می توان به توانایی های غیرمتعارف قزاقستان اشاره نمود. این کشور پس از آن که از اتحاد جماهیر شوروی استقلال گرفت؛ دارای منابع عظیم و زرادخانه های بزرگ تسلیحات به جای مانده از گذشته بود. در این زمینه، قزاقستان از جمله کشورهایی بود که در دوران نظام تک قطبی بیشترین تسلیحات اتحاد جماهیر شوروی در آن جا نگهداری می شد. به علاوه بخش مهمی از زرادخانه هسته ای شوروی نیز در این کشور قرار داشت. بر این اساس، حضور ناتو در منطقه قفقاز از اهمیت بالایی در راهبرد توسعه اتحادیه اروپا و به طور کلی غرب داشته که در نهایت می تواند بر تصمیمات حامیان خود از جمله ترکیه که جز ناتو است اثر گذار باشد که در مرحله بعدی به نقش و سیاست گذاری ترکیه در قفقاز ماثراً از ناتو می پردازیم.

سیاست خارجی ترکیه در منطقه قفقاز

با توجه به نقش منطقه ای، بین المللی و نفوذ ناتو در ترکیه اصلی ترین محورهای سیاست خارجی ترکیه را می توان در منطقه قفقاز به شرح ذیل بیان داشت:

الف- گسترش نفوذ در منطقه و یافتن جایگاهی مناسب

یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، چند جانبه گرایی در روابط بین الملل و توجه به مناطق پیرامونی می باشد. یکی از مناطقی که در این زمان برای مقامات ترکیه اهمیت داشت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بود. از این رو ترکیه تلاش می نمود تا نفوذ خود را در این مناطق افزایش دهد. برای رسیدن به این هدف آذربایجان به عنوان کلید دست یافتن ترکیه به این منطقه و منافع آن بود. زمینه های مشترک فرهنگی و زبانی میان دو کشور ترکیه و آذربایجان عامل تسریع کننده و مهمی برای ترکیه در جهت توسعه نفوذ در منطقه محسوب می شد. از همین رو ترکیه روابط مستحکمی را با این کشور برقرار کرد. امروزه روابط آنکارا - باکو، روابط پایدار و رو به گسترشی است (kaya, 2012: 79).

ب- استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی

میزان استفاده از قدرت سخت یا نرم، در سیاست خارجی بیش از هر چیز بستگی به میزان "امنیتی شدن" مسائل دارد. هرچه مسائل در حوزه سیاست خارجی بیشتر امنیتی شوند، استفاده از قدرت سخت بیشتر می‌شود و برعکس، هرچه مسائل در حوزه سیاست خارجی کمتر امنیتی شوند، استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی بیشتر می‌شوند. به علاوه، تفاوت عمده‌ای که بین این دو نوع قدرت وجود دارد از وجود نوعی "منطق عمل" ناشی می‌شود که بر رفتار دولت‌ها حکم فرما است. اگر یک منطق عمل ابزاری حاکم باشد، یعنی اگر هدف مجبور کردن دیگران بر محاسبه هزینه - فایده از طریق راهبرد های اجبار کننده یا اغنا کننده باشد میتوان از قدرت سخت سخن گفت و اگر هدف اطمینان از این باشد که دیگران به طور خودکار بر پایه قدرت جذب دیگری، از دولت قدرتمند پیروی می‌کنند، می‌توان از وجود قدرت نرم سخن به میان آورد (Oguzlo, 2019: 81). در ترکیه با توجه به اینکه فرآیند مدرنسازی و الگوسازی سیاسی خوبی که شکل گرفته است، از جنبه خارجی نتایج خوبی برای این کشور به دنبال داشته است. این الگوسازی به نحوی امروزه توانسته از ترکیه به عنوان کشوری دمکراتیک و در حال توسعه شتابان بسازد و در عرصه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی، ظرفیت‌های فراوانی را برای این کشور چه در قفقاز و چه در خاورمیانه سایر نقاط فراهم آورد.

ج - اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه

از لحاظ ژئوپلیتیک قفقاز منطقه‌ای هم مرز با ترکیه است و این هم مرزی می‌تواند در منافع ترکیه تأثیر به‌سزایی داشته باشد. از طرفی قفقاز منطقه‌ای است که ترکیه را به دریای خزر متصل می‌کند و همچنین این منطقه راه ورود ترکیه به آسیای مرکزی است. ضمن آنکه پس از فروپاشی شوروی این منطقه به منطقه‌ای حائل میان ترکیه و روسیه و از طرف دیگر میان ناتو و روسیه تبدیل شده است. ترکیه کنونی ۶۱۰ کیلومتر با قفقاز مرز مشترک دارد و از جنوب غربی قفقاز را دربرمیگیرد و علاوه بر مرز زمینی، ترکیه در دریای سیاه نیز با قفقاز مرز مشترک آبی دارد (افشردی، ۱۳۹۰: ۲۶۹).

ذ - همکاری با غرب به ویژه آمریکا و ناتو در جهت گسترش به شرق

دولت عدالت و توسعه در راستای سیاست‌های غربگرایانه خود و همراهی با ایالات متحده آمریکا در قفقاز، به عنوان بازوی منطقه‌ای غرب و آمریکا شناخته می‌شود. هرچند ترکیه در این دوران تلاش کرده است که سیاست خارجی خود را متوازن کند و تنها در چارچوب منافع غرب گام بردارد اما به راحتی می‌توان ادعان کرد که دید غربگرایانه و همراهی با ایالات متحده آمریکا هنوز در نزد دولتمردان این کشور به وضوح دیده می‌شود. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق و افغانستان برای مقابله با بنیاد

گرایی اسلامی و تروریسم، حضور آمریکا و ناتو در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به واسطه همکاری ترکیه پررنگ شد.

د- نیاز به انرژی منطقه

امروزه برای کشورهای جهان تأمین مداوم انرژی جز اولویت های استراتژیک محسوب می شود. ترکیه نیز با توجه به اینکه جزء کشورهای علاقه مند به توسعه شتابان می باشد، نیاز روزافزون به انرژی و تأمین مداوم آن دارد و یکی از مناطقی که می تواند در تأمین انرژی ترکیه نقش فعالی داشته باشد قفقاز جنوبی است. ترکیه یکی از کشورهای فقیر از لحاظ انرژی محسوب می شود به همین دلیل نیاز مبرم به واردات مداوم انرژی دارد. ترکیه در حال حاضر به طور میانگین سالانه ۶ میلیون متر مکعب گاز از طریق خط لوله شاه دنیز از آذربایجان دریافت می کند. تأمین امنیت انرژی کشور در بلندمدت و تبدیل شدن به قطب ترانزیت انرژی از شرق اروپا، دو هدف راهبردی ترکیه در زمینه انرژی است. ایران و روسیه به ویژه بعد از دو دسته از شرایط متفاوت تحریم نفتی و بحران اوکراین در این حوزه با ترکیه وارد تقابل شده اند. بر این اساس، نقش ناتو در منطقه قفقاز از اهمیت راهبردی برخوردار بوده و ترکیه به عنوان یکی از کشورهای مهم در ژئوپلیتیک قفقاز تاثیرات قابل توجهی بر سیاستگذاری های ناتو و به طور طبیعی اتحادیه اروپا در ترکیه دارد. آنچه که از این نقش حائز اهمیت است، اتحادیه اروپا وابستگی قابل توجهی به نقش راهبردی ترکیه در منطقه دارد و این وابستگی باعث شده تا میزان بهره گیری اتحادیه اروپا بخصوص در ابعاد امنیتی مانند تروریسم و مسئله کردها در ترکیه افزایش پیدا کند.

نتیجه گیری

نقش ترکیه در مناسبات بین المللی و منطقه ای اثر راهبردی دارد. به طوریکه امروزه ترکیه از بعد ژئوپلیتیکی و دروازه اروپا بیش ترین پذیرش مهاجرت، انتقال انرژی، کالا و غیره را بر عهده دارد. در کنار این مزیت ها به نوعی ترکیه گذرگاهی برای تروریست ها نیز بشمار می رود تا بتوانند از این طریق به مراکز آشوب خاورمیانه دست پیدا کنند. ناتو به عنوان پیمان نظامی اتحادیه اروپا جهت تأمین امنیت این منطقه حساسیت و نگاه ویژه ای نسبت به ترکیه دارد. به گونه ای که همواره دبیر کل این پیمان نظامی سعی دارد در طول سال ها نشست ها و دستورکارهای متعددی را در این حوزه پیگیری کند. لازم است که به این نکته توجه شود که ترکیه نیز خود جز ناتو بوده با این حال سهم قابل توجهی را در سیاست گذاری های ناتو ندارد. از طرفی دیگر، پیمان آتلانتیک شمالی تابع کامل سیاست های اتحادیه اروپا در

زمینه توسعه و گسترش سبک زندگی و ایدئولوژی اتحادیه اروپا در سراسر جهان است. بر این اساس، ناتو تاثیرات قابل توجهی را بر سیاست خارجی ترکیه به طور مشخص در زمینه مسائل منطقه ای از قفقاز تا حاشیه خلیج فارس و روسیه دارد. لازم است که این سیاست و اثربخشی آن همانطور که در بخش های مختلف این مقاله به آن پرداخته شد جمع بندی و تحلیل گردد (جدول شماره ۱).

جدول ۱- شاخص های تاثیرگذاری ناتو بر رفتار سیاست خارجی ترکیه

کشور ها	شاخص ها	انرژی	اقتصاد	ایدئولوژیک	ژئوپلیتیک	امنیت
روسیه	نقش روسیه در کنترل منابع انرژی اتحادیه اروپا	به عنوان یکی از کشورهای بزرگ مصرف کننده برای اتحادیه اروپا	توسعه منطق و مکتب لیبرال دموکراسی	کاهش نفوذ روسیه در مناطق اکراین و شرق اروپا	ایجاد منطقه حایل امنیتی و کمربند امنیتی غرب	
خلیج فارس	کسب منابع انرژی و توسعه تنوع انرژی اتحادیه اروپا	نفوذ به آب های گرم خلیج فارس، و ظرفیت های اقتصادی و مصرفی	توسعه لیبرال دموکراسی و سبک زندگی اروپایی	کاهش نقش راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز	جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه و مقابله با گروه های تروریستی تکفیری	
قفقاز	ذخایر انرژی و تنوع انرژی برای اتحادیه اروپا	منابع طبیعی و ظرفیت گردشگری	توسعه لیبرال دموکراسی، سبک زندگی اروپایی و عضویت اتحادیه اروپا، شورای همکاری کشورهای ترک نشین	توسعه اتحادیه اروپا و تحت تاثیر قرارداد شرق اروپا	مبارزه با گروه های شورشی و تکفیری	

با توجه به جدول شماره ۱ سیاست های ناتو و غرب در جهان در گذر ترکیه دارای ابعاد مختلف بخصوص در حوزه های انرژی، اقتصاد، ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک و امنیت قرارداد. در این میان روسیه با توجه به سابقه تاریخی همینطور به عنوان رقیب شماره یک غرب به عنوان هسته اصلی کنترل برای ناتو محسوب می شود. از طرفی، به دلیل رابطه بین ترکیه و روسیه بخصوص از بعد ژئوپلیتیکی بایستی توجه داشت که ترکیه موقعیت خوبی برای بهره برداری از جانب غرب به شمار می رود. به همین دلیل اهمیت راهبردی ترکیه برای غرب بیش از آن چیزی است که معمولا بیان می شود. کنترل انرژی غرب که در دست روسیه قرار دارد و نزدیکی به قفقاز این بستر را ایجاد کرده تا اتحادیه اروپا با سیاست های سیالی به دنبال جذب و مدیریت سیاست های ترکیه باشد. توسعه صادرات که یکی از شاخص های وابستگی بین المللی به شمار می رود، باعث شده تا غرب در صدد جذب و نحوه بکارگیری ترکیه برای در راستایی

توسعه صادرات برای روسیه باشد. تامین امنیت و مقابله با گروه های چپنی که عمدتاً تحت نظارت روسیه هستند این را باعث شده تا جمعیت مسلمان اتحادیه اروپا از این امر متاثر شده و از میزان وابستگی آنان به روسیه تشدید یابد. تنش های ژئوپلیتیکی غرب با روسیه از جمله در اوستیای جنوبی زمینه نگرانی های اتحادیه اروپا را به بار آورده که در این خصوص می تواند با اثربخشی بر سیاست خارجی ترکیه بر چگونگی مدیریت و تعامل با آنان را معین کند. بر این اساس، ترکیه به عنوان یک بازیگر مهم منطقه ای بایستی بین متغیرهای مختلف منطقه ای و بین المللی در خصوص تعامل با اتحادیه اروپا در قالب ناتو و رفع نگرانی های آنان در خصوص روسیه سیاست خارجی خاصی را به کار ببرد که این بار کمتر رنگ بوی نقطه صفر سیاست خارجی داوود اوغلو به چشم می خورد.

خلیج فارس از هردو بعد نگاه غرب و ترکیه دارای اهمیت راهبردی برای هردوی آنان است. موضوع تامین انرژی و تنوع سبد انرژی در کنار دسترسی به آب های گرم و آب های شرقی همینطور کنترل خشونت که عمدتاً باعث افزایش مهاجرت به سمت غرب می شود به عنوان مهمترین عامل های است که ناتو پیگیری می کند تا ترکیه در پیشبرد آنان مشارکت کند. برای نمونه موضوع مهاجرت ها به سمت غرب و قاچاق مواد مخدر از جمله نکات مهم آن هست. علاوه بر آن رقابت هاب منطقه ای بخصوص رهبری جهان اسلام از دیگر موضوعاتی است که ترکیه در پیشبرد سیاست خارجی خود در منطقه خلیج فارس به شدت پیگیری آن را می کند. مصرف گرایی کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیاز به غذا و دارو از دیگر نکات مهم در طراحی و کاربرد سیاست خارجی ترکیه به پشتیبانی ناتو است. برای مثال زمانی که قطر از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس تحریم شد ترکیه بیشترین و فعال ترین سیاست را در قطر برای کسب موقعیت بکار گرفت. ارسال نیروهای نظامی جهت حفاظت از پادشاه قطر، کمک های غذایی و دارویی و حمایت از خطوط هوایی قطر از جمله اقداماتی بود که ترکیه برای نفوذ در خلیج فارس بکار برد. بر این اساس، منطقه خلیج فارس از چند بعد مذکور برای ترکیه مهم بوده و همواره دیپلماسی فعالی را در این حوزه داشته است. با این حال، نقش ناتو در سیاست خارجی ترکیه در خلیج فارس مربوط به نگاه ترکیه جهت کسب امتیاز از اتحادیه اروپا است. امتیازی که می تواند شعاع تحرک ترکیه را تا عمق استراتژیک اتحادیه اروپا باز کند و آن سیاست پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا هست. لذا، ترکیه همواره خواستار نفوذ هر چه بیشتر در منطقه خاورمیانه بوده و علاوه بر آن ناتو نیز از گذار این ارتباط به دنبال کسب منافع و نفوذ در قلب خاورمیانه است.

رویگرد نسبت به منطقه قفقاز از جانب اینکه زمانی تحت حاکمیت روس ها قرار داشت حائز اهمیت است. منطقه ای که به نوعی حیات خلوت روسیه بشمار می رود و در عین حال غالب این کشورها دارای

یک رابطه تاریخی و زبانی با ترکیه هستند. قفقاز علاوه بر موقعیت انرژی‌بیه دلیل نزدیکی جغرافیایی یا غرب و همین‌طور تنوع انرژی دارای اهمیت راهبردی بوده و ترکیه تسلط و نفوذ منحصر به فردی در این منطقه دارد. مهمترین آنان را می‌توان در مناقشه قره باغ و جنگ دوم قره باغ شاهد بود. شکل‌گیری کشورهای عضو شورای ترک حساسیت غرب بر چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت ترکیه در پیش برد اهداف خود در منطقه قفقاز حساس کرده است. بدیهی است که ناتو به منظور نفوذ در عمق استراتژیک روسیه و تحت تاثیر قرار دادن حیات خلوت آن نقش مهمی را در بکارگیری نیابتی ترکیه در قفقاز دارد. این خود می‌تواند یک زمینه بسیار مهم برای ترکیه در چانه زنی با غرب و کسب امتیازات به شمار برود.

در نهایت اینکه ترکیه به دلایل گفته شده برای غرب بخصوص اتحادیه اروپا بسیار مهم هست و از طریق عضویت در اتحادیه اروپا در تلاش هست تا به عنوان یک بستر تعاملی امتیازات لازم را در پیشبرد اهداف، انرژی، اقتصادی، ایدئولوژیک، ژئوپلیتیکی و امنیتی بکار برد. در همین راستا سیاست خارجی ترکیه در برخی موارد و بر حسب کسب امتیاز برای منافع ملی تحت تاثیر نقش ناتو قرار گرفته و عمدتاً این نقش معطوف بر دول همجوار است. سیاست خارجی که خود چند پهنه بوده و در تعامل کسب امتیاز مجبور دادن برخی امتیازات نیز است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- افشردی، محمدحسین (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات فرهنگ و مطالعات نظامی.
- خلیلی نژاد کشکونی، روح الله؛ داهشیار، حسین (۱۳۹۶). «بحران سوریه و امنیت ملی ترکیه»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال هفتم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۱۸-۱۱۴.
- طباطبایی پناه، سید علی؛ محمودی، علی (۱۳۹۲). «تاثیر قراردادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، سال نوزدهم، شماره ۵۵.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). **نظریه‌های امنیت**، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- سنایی، اردشیر؛ طاهری مهر، احسان (۱۳۹۴). «تاثیر همکاری ناتو و شورای همکاری خلیج فارس بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌نامه روابط بین الملل**، دوره ۸، شماره ۳۱، پاییز، صص ۹۸-۱۴۲.
- سپهیلی نجف آبادی، سهیل؛ حسین خانی، الهام؛ عمویی، حامد (۱۳۹۹) «بررسی آینده پژوهانه حضور ناتو در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات بین المللی**، دوره ۱۷، شماره ۶۵، تابستان، صص ۱۶۹-۱۹۳.

ب) منابع انگلیسی

- Elizabeth, Wishnick (2009), "Russia, China and United State in Central Asia, Prospect For Great Power Capititation and Cooperation in the Shadow of Georgian Crisis"
- Erik Adkanian, A, Khisravi, M (2018) Food security through the Lens of Transitional Justice, *International Studies Journal*, 15 (2), pp 139-155.
- Global, Fire Power (2020), 2020 Military strength Ranking, January, at: www.globalfirepower.com/countries-listing.asp
- Kaya, M.K, (2012), "The Eastern Dimiension in Turkish Foreign Policy Grows", *Turkish Analyst*, VOL.2, NO. 18.
- Oguzlu, Tarik, (2019), "Soft Power in Turkish Foreign Policy," *Australian Journal of Foreign Policy*, Vol. 61, No. 1, March.
- Plens, Ruprecht (2019) Nato and Persian Gulf security, Retrieved December 2009, from NATO Parlimentery Assembly.
- Zaki, Y, Gholami, M (2019) NATOs Geopolitical Territory Extension in the Geopolitical Territiries to the West of the Islamic Republic of Iran. *Defence policy*, 26 (101), 9-43.